

با اروپا چگونه برخورد کنیم؟



حسین پاک‌آمین

کارشناس مسائل بین الملل

متأسفانه در هفته های اخیر کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان که شریک جنایات جنگی و نسل کشی رژیم صهیونیستی در فلسطین و لبنان هستند، جمهوری اسلامی ایران را با ادعاهای بی اساس مورد حمله تبلیغاتی و فشارهای سیاسی قرار داده اند. برای نمونه می توان به رویکرد اتحادیه اروپا در حمایت از ادعای واهی امارات در خصوص جزایر سه گانه ایرانی اشاره کرد و از ادعای بی اساس حمایت ایران از روسیه در جنگ اوکراین که موجب تحریم های ظالمانه علیه ایران شد، سخن گفت. اول آذرماه نیز کشورهای انگلیس، فرانسه و آلمان با حمایت آمریکا در نشست فصلی شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی، قطعنامه جدیدی با آرای نه چندان زیاد علیه ایران، به تصویب رساندند. این اقدام در حالی انجام شد که رئیس جمهور اوکراین ادعای کشورهای غربی مبنی بر فروش موشک ایرانی به روسیه را رد کرده بود. برای شناخت انگیزه های سه کشور اروپایی و راه مقابله با آنها، می توان به این نکات توجه کرد. نخست، انگیزه اصلی آمریکا و اروپا از اعمال فشارهای بین المللی علیه ایران، انحراف افکار عمومی از مشارکت در همراهی با رژیم صهیونیستی است. این کشورها نه تنها از اعمال فشار بر اسرائیل خودداری می کنند بلکه با توی قطعنامه های تنبیهی، در مقابل اراده جامعه جهانی برای مقابله با این رژیم می ایستند. در عین حال اتحادیه اروپا که بازنده اصلی جنگ اوکراین بوده و به لحاظ مالی و تأمین منابع انرژی با مشکل جدی مواجه است، سعی دارد با طرح مباحث ذهنی و انحرافی، افکار مردم اروپا را از سبکست های خود منحرف کند. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران مخالف جنگ روسیه و اوکراین بوده و مقامات کشور در سطح مختلف خواهان خاتمه عادلانه جنگ و برقراری صلح و آرامش بین مسکو و کیف شده اند. در آن سو، آمریکا و اروپا نه تنها به دنبال خاتمه جنگ نبوده بلکه به طور مستمر با حمایت مالی و تسلیحاتی، اوکراین را برای تداوم جنگ با روسیه ترغیب کرده اند. دوم، نباید فراموش کرد که علت اصلی وقوع جنگ اوکراین، تمایل اعضای ناتو برای پیشروی به سوی شرق و تقابل با روسیه بود که در صورت موفقیت، بقیه کشورهای اوراسیا از جمله ایران و چین نیز در معرض تهدید قرار می گرفتند. در واقع روسیه برای ممانعت از اهداف توسعه طلبانه ناتو وارد جنگ با اوکراین شد که این اقدام در وهله اول به نفع امنیت روسیه و در وهله بعدی در جهت منافع امنیتی کشورهای حوزه اوراسیائقی می شود. لذا کشورهای این منطقه به طور طبیعی باید روسیه را مورد حمایت قرار دهند.

همچنین حمله پیش دستانه روسیه به اوکراین، به هیچوجه به اندازه تهاجم اسرائیل به فلسطین و غزه و به خصوص نسل کشی در غزه، شنيع و سخيف نبوده و کشورهای غربی اگر واقعا به دنبال دفاع عادلانه از امنیت جهانی و حقوق بشر هستند در وهله اول باید علیه اسرائیل اقدام تنبیهی انجام داده و این رژیم را با اعمال مجازات های بین المللی وادار به پذیرش آتش بس و پایان نسل کشی نمایند. سوم، آمریکا و اتحادیه اروپا به اوکراین موشک های دور برد می دهند تا بتواند خاک روسیه را هدف قرار دهد. علاوه بر این، سلاح های بسیار پیشرفته را از اختیار رژیم صهیونیستی فرار می دهند تا به نسل کشی خود ادامه دهد. آنها معاملات تسلیحاتی را برای خود جایز دانسته و جلوگیری از آتش بس را مباح می دانند و با این رویکرد متناقض کمانی های تولید تسلیحات خود را با فروش سلاح به اوکراین و رژیم صهیونیستی در مسیر درآمدزایی فرار می دهند، اما در این شرایط از جمهوری اسلامی ایران می خواهند که از انجام معاملات تسلیحاتی خوداری کند. در نهایت واقعیت دیگر این است که به رغم رویکرد اتحادیه اروپا نسبت به ایران، برخی از مقامات کشورهای عضو این اتحادیه گفته اند که سیاست هبود اتحادیه اروپا را رد قبایل ایران نمی پسندیم و به دنبال بهبود و تداوم ارتباطات با ایران هستیم. آنها از دیکتاتوری فرانسه و آلمان با تحریک انگلیس نسبت به بقیه اعضای اتحادیه و اروپا رنج می برند و در مجموع اختلافات موجود در داخل این اتحادیه، ترامپ رئیس جمهور منتخب آمریکا را معترض تضعیف و حتی فروپاشی اتحادیه اروپا با کمک انگلیس کرده است. در این شرایط به نظر می رسد جمهوری اسلامی ایران باید بی اعتنا به فشارها و فضا سازی های غرب، ضمن تقویت توانایی هسته ای خود، یک برنامه راهبردی با هدف درآمدزایی از معاملات تسلیحاتی با کشورهای دوست تنظیم و اجرا نماید. در عین حال باید با آن دسته از کشورهای اتحادیه و اروپا که دیدگاه های نزدیکتری به ایران دارند، بنای تعامل و همکاری گذاشت و همزمان برای اقدام متقابل در قبال تحریم کشتیرانی و هواپیمایی ایران از سوی چند کشور اروپایی، راهکارهای مناسب را بررسی و اتخاذ کرد.

در پیچه

رافی پور: جومونگ را بهبودی ها ساختند!

آرمان ملی: یکی از ویژگی های برخی سخنرانان، ابراز حرف های بی سند و بدون پشتوانه است. در واقع این افراد از موقعیت سخنران استفاده کرده و چون سخن گفتن آنها یکسویه است و کسی از بین مابمنبری هانمی تواناد اعاهای مطرح شده را به چالش بکشد، سخنران تخت گاز حرکت می کند و نگرانی از بابت طرح هیچ ادعایی ندارد. اخیرا ویدئویی از تحلیل قدیمی و عجیب رانفی پور درباره سرپال جومونگ دوباره در فضای مجازی منتشر شده است. این ویدئوی قدیمی در فضای مجازی دست به دست می شود که رانفی پور می گوید نویسنده سرپال جومونگ یک نفر فرانسوی و یک بهبودی بوده اند. بعد در ادامه برخی اسامی کروی را با برخی واژه های تورات مقایسه می کند تا نشان دهد که چه نقشه شیطانی در پس ساخت سرپال جومونگ قرار داشته است. حیرت انگیز است که نه کسی از اطرافیان هم می شود که رانفی پور می گوید نویسنده می رسد، درست و قطعی ندان و نه خودش متوجه می شود که نمی توان به آسانی هر حرفی را به مخاطبان ارائه کرد. حتی اگر شنودگان، اورا یکی از اساتید عرصه شیطان پرستی، فراماسونری و تئوری های توطئه بدانند. در این مجال کوتاه می توان به او یادآوری کرد که شباهت برخی واژه ها را در دوزبان خیلی جدی نداند. از این شباهت ها در همه زبان های توان یافت.

اسماعیل گرامی مقدم در گفت وگو با «آرمان ملی»:

حاکمیت به پزشکیان در پایان دادن

به تخاصمات کمک کند

پزشکیان فاصله حکمیت با جریان اصلاحات را

کاهش داده است

کرسی های قدرتی که متعلق به اصلاح طلبان بود

به رقبای واگذار شده است

آرمان ملی- احسان انصاری: پزشکیان از سرمایه جریان اصلاحات برای رسیدن به ریاست جمهوری استفاده کرد. با این وجود در انتخاب مدیران از گفتنمان رقیب هم به نام وفاق ملی استفاده کرد. به همین دلیل در شرایط کنونی شناخت ماهیت گفتنمان پزشکیان دارای اهمیت است. این در حالی است که اگر چه آرمان ها و اهداف دولت پزشکیان تا حدود زیادی در رقابت های انتخاباتی مشخص شده، اما از دینگاه نظریه پردازی و تئوری هنوز گزینگاه مشخصی برای گفتنمان پزشکیان شکل نگرفته است. نکته مهم

دولت پزشکیان در زمینه گفتنمان سازی اقدامات جدی انجام نداده و به همین دلیل برخی مفهوم وفاق ملی را گفتنمان نمی دانند و معتقدند این یک شعار ویارویگر د است.

آیا دولت نیاز به گفتنمان سازی ندارد؟

من معتقدم دولت پزشکیان گفتنمان داشته و این گفتنمان نیز در انتخابات به پیروزی رسیده است. گفتنمان تنها به این معنا نیست که تئورسین های سیاسی دور هم جمع شوند و گفتنمان تولید کنند. این تنها یک نوع تولید گفتنمان است و نه همه انواع آن. یک نوع تولید گفتنمان در رقابت های انتخاباتی و با آرمان ها و اهداف گاندهای انتخاباتی شکل می گیرد. هنگامی که این آرمان ها و اهداف مورد مقبولیت جامعه قرار می گیرد در واقع گفتنمان شکل گرفته است. در آمریکا نیز جمهوریخواهان با همین روش یعنی جمع کردن بساط آموزش های همجنس گرایی در مدارس، لغو قوانین مرتبط با سقط جنین و مخالفت با مهاجرت های غیرقانونی در انتخابات به پیروزی رسیدند. آقای خاتمی نیز که به صورت مشخص دارای گفتنمان بودند خودشان در راستای گفتنمان حرکت کردند که مهم ترین محورهای آن نیز زنده باد مخالف من، شفافیت در جامعه و آزادی های سیاسی و اجتماعی و مطبوعات بودند که گفتنمان آقای خاتمی را شکل دادند. این گفتنمان ها در خود آرمان هایی را حمل می کند و تلاش دارد به آنها برسد. آقای پزشکیان برای پایان دادن به نزاع جریان های سیاسی موضوع وفاق ملی را مطرح کرده که البته این موضوع جای بحث دارد و من خودم نیز به آن نقد دارم. موضوع محوری دیگر آقای پزشکیان عدالت اجتماعی و عدالت در توزیع درآمد بوده که این موضوع بنیادی زمان دارد و باید منتظر ماند که در برنامه ریزی ها بود چه بندی سال های آینده شرایط به چه شکلی خواهد بود. نکته دیگر اینکه هنوز مشخص نیست که آیا افزایش میزان دستمزدها در دولت پزشکیان باعث افزایش رفاه مردم خواهد شد و یا اینکه ایشان نیز مانند دولت های گذشته گرفتار اقتصاددانان لیبرال خواهد شد که دولت را از افزایش نقدینگی برحذر می دارند. در حالی است که افزایش نقدینگی ارتباط به تورم ندارد، چرا که تورم در ایران بیشتر ناشی از تکان های عظیمی است که به ارزش پول ملی وارد می شود و تورم ایجاد می کند. از سوی دیگر آقای پزشکیان مدعی صدقات با مردم و سپردن امور به دست متخصصان و نخبگان همه عرصه ها می دانند. این موضوع وفاق ملی را

ویژگی هایی که شما از گفتنمان آقای پزشکیان ترسیم کردید بیشتر شعراهایی بود که در دوران انتخابات مطرح شد. این در حالی است که در تئوری و نظریه پردازی به دلیل حضور جریان های دیگر در دولت هنوز تعریف دقیقی از گفتنمان پزشکیان ارائه نشده است. آیا چنین شرایطی گفتنمان آقای پزشکیان را اصلاح طلبانه می دانید یا اصولگرا و میانه رو؟

من گفتنمان آقای پزشکیان را اصلاح طلب می دانم و معتقدم حرکت ایشان اصلاح طلبانه بوده است. آقای پزشکیان وزیر دولت آقای خاتمی بوده و به دلیل نگاه اصلاح طلبانه ای که داشت از مجلس ششم که اکثریت آن را اصلاح طلبان تشکیل می دادند رأی اعتماد گرفت. در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ ما از آقای پزشکیان دعوت کردیم که برنامه های خود را در جبهه اصلاحات مطرح کنند و ایشان دعوت ما را پذیرفتند و در جبهه اصلاح طلبان حضور پیدا کردند و برنامه های خود را مطرح کردند. یعنی آقای پزشکیان اصلاح طلبی را قبول

داشته که ما ایشان را به جبهه اصلاحات دعوت کرده ایم. این اتفاق در انتخابات ۱۴۰۳ نیز رخ داد و آقای پزشکیان در جبهه اصلاح طلبان حضور پیدا کردند و برنامه های خود را ارائه کردند. به همین دلیل گفتنمان پزشکیان قطعاً اصلاح طلبی است. این در حالی است که در جریان اصلاح طلبی نیز طیف های مختلفی وجود دارد. پزشکیان به جبهه اصلاحات تعلق دارد و به همین دلیل اصلاح طلبان ماشین انتخاباتی خود را پشت سر ایشان قرار دادند. جریان اصلاحات سرمایه اجتماعی خود را به شبه به دست نیآورده که یک شبه ماشین انتخاباتی خود را پشت سر یک نفر قرار بدهد. در طول ۴۵ سال گذشته جریان چپ به اصلاح طلبی رسیده و هزینه های زیادی داده و اتفاقات مهمی را رقم زده تا مردم به جریان اصلاحات اعتماد کنند. این اعتماد نیز سرمایه اصلی و بزرگ جریان اصلاحات است که با سختی ها و هزینه های بسیار زیاد به دست آمده است. واقعیت سیاسی جامعه ایران نیز این است که سرمایه جریان اصلاح طلبی پشت سر هر کسی قرار بگیرد به قدرت می رسد. اصلاح طلبی در انتخابات ۱۴۰۰ نامزد اختصاصی نداشتند و تنها بخشی از این جبهه پشت سر آقای همنی قرار گرفت. در حالی که در انتخابات ۱۴۰۳ همه ماشین انتخاباتی اصلاح طلبان به کمک آقای پزشکیان آمد. به همین دلیل هم آقای پزشکیان و هم گفتنمان ایشان اصلاح طلبانه است.

در شرایطی که در دولت پزشکیان مدیرانی انتخاب شده اند که در گفتنمان مقابل قرار دارند، حد و مرز حمایت اصلاح طلبان از دولت پزشکیان تا کجا خواهد بود؟

داشته که ما ایشان را به جبهه اصلاحات دعوت کرده ایم. این اتفاق در انتخابات ۱۴۰۳ نیز رخ داد و آقای پزشکیان در جبهه اصلاح طلبان حضور پیدا کردند و برنامه های خود را ارائه کردند. به همین دلیل گفتنمان پزشکیان قطعاً اصلاح طلبی است. این در حالی است که در جریان اصلاح طلبی نیز طیف های مختلفی وجود دارد. پزشکیان به جبهه اصلاحات تعلق دارد و به همین دلیل اصلاح طلبان ماشین انتخاباتی خود را پشت سر ایشان قرار دادند. جریان اصلاحات سرمایه اجتماعی خود را به شبه به دست نیآورده که یک شبه ماشین انتخاباتی خود را پشت سر یک نفر قرار بدهد. در طول ۴۵ سال گذشته جریان چپ به اصلاح طلبی رسیده و هزینه های زیادی داده و اتفاقات مهمی را رقم زده تا مردم به جریان اصلاحات اعتماد کنند. این اعتماد نیز سرمایه اصلی و بزرگ جریان اصلاحات است که با سختی ها و هزینه های بسیار زیاد به دست آمده است. واقعیت سیاسی جامعه ایران نیز این است که سرمایه جریان اصلاح طلبی پشت سر هر کسی قرار بگیرد به قدرت می رسد. اصلاح طلبی در انتخابات ۱۴۰۰ نامزد اختصاصی نداشتند و تنها بخشی از این جبهه پشت سر آقای همنی قرار گرفت. در حالی که در انتخابات ۱۴۰۳ همه ماشین انتخاباتی اصلاح طلبان به کمک آقای پزشکیان آمد. به همین دلیل هم آقای پزشکیان و هم گفتنمان ایشان اصلاح طلبانه است.

در شرایطی که در دولت پزشکیان مدیرانی انتخاب شده اند که در گفتنمان مقابل قرار دارند، حد و مرز حمایت اصلاح طلبان از دولت پزشکیان تا کجا خواهد بود؟

داشته که ما ایشان را به جبهه اصلاحات دعوت کرده ایم. این اتفاق در انتخابات ۱۴۰۳ نیز رخ داد و آقای پزشکیان در جبهه اصلاح طلبان حضور پیدا کردند و برنامه های خود را در جبهه اصلاحات مطرح کنند و ایشان دعوت ما را پذیرفتند و در جبهه اصلاح طلبان حضور پیدا کردند و برنامه های خود را مطرح کردند. یعنی آقای پزشکیان اصلاح طلبی را قبول

داشته که ما ایشان را به جبهه اصلاحات دعوت کرده ایم. این اتفاق در انتخابات ۱۴۰۳ نیز رخ داد و آقای پزشکیان در جبهه اصلاح طلبان حضور پیدا کردند و برنامه های خود را در جبهه اصلاحات مطرح کنند و ایشان دعوت ما را پذیرفتند و در جبهه اصلاح طلبان حضور پیدا کردند و برنامه های خود را مطرح کردند. یعنی آقای پزشکیان اصلاح طلبی را قبول

داشته که ما ایشان را به جبهه اصلاحات دعوت کرده ایم. این اتفاق در انتخابات ۱۴۰۳ نیز رخ داد و آقای پزشکیان در جبهه اصلاح طلبان حضور پیدا کردند و برنامه های خود را در جبهه اصلاحات مطرح کنند و ایشان دعوت ما را پذیرفتند و در جبهه اصلاح طلبان حضور پیدا کردند و برنامه های خود را مطرح کردند. یعنی آقای پزشکیان اصلاح طلبی را قبول

داشته که ما ایشان را به جبهه اصلاحات دعوت کرده ایم. این اتفاق در انتخابات ۱۴۰۳ نیز رخ داد و آقای پزشکیان در جبهه اصلاح طلبان حضور پیدا کردند و برنامه های خود را در جبهه اصلاحات مطرح کنند و ایشان دعوت ما را پذیرفتند و در جبهه اصلاح طلبان حضور پیدا کردند و برنامه های خود را مطرح کردند. یعنی آقای پزشکیان اصلاح طلبی را قبول

دوشنبه
۱۴۰۳ • ۰۹ • ۰۵
شماره ۱۹۸۰
سال پنجم
۲۰۲۴ جمادی الاول ۱۴۴۶ / ۲۵ نوامبر ۲۰۲۴

armanmeli.ir



اینکه تئورسین های اصلاح طلب نیز به دلیل استفاده از مدیران گفتنمان رقیب در دولت، تمایلی برای گفتنمان سازی و نظریه پردازی ندارند و برخی نیز حتی دولت پزشکیان را از اساس اصلاح طلب نمی دانند. به همین دلیل تحلیل و بررسی ساحت های گفتنمان پزشکیان حائز اهمیت است. «آرمان ملی» برای بررسی این موضوع با دکتر اسماعیل گرامی مقدم قائم مقام حزب اعتماد ملی و عضو جبهه اصلاح طلبان گفت وگو کرده که در ادامه حاصل این گفت وگو را می خوانید.

فعالان سیاسی و اجتماعی که در رقابت های انتخاباتی از آقای پزشکیان حمایت کرده اند و مردم را به پای صندوق های رأی دعوت کرده اند انتظار داشتند افرادی در سمت های مدیریتی قرار بگیرند که دغدغه ها و مطالبات آنها را نمایندگی کنند و بدون تردید این حق طبیعی آنهاست. براساس آنچه آقای پزشکیان در رقابت های انتخاباتی با الهام از نهج البلاغه مطرح می کرد، حق و حقوق کرسی های قدرت متعلق به مردم است و به همین دلیل کسی حق ندارد آن را که از طریق تأیید اکثریت به دست آمده، به جناح مقابل واگذار کند. این نقد هم از طرف اصلاح طلبان و هم از سوی فعالان سیاسی و اجتماعی مناطق مختلف کشور به آقای پزشکیان وارد شده و تاکنون آقای پزشکیان پاسخی به این سوال نداده است. فعالان حامی دولت در استان ها و حتی در مرکز از انتصابات دولت تعجب کرده و نسبت به آن ابهام دارند. اگر دولت به این ابهامات پاسخ ندهد نتیجه ای جز لاسدری و سرخورگی حامیانش نخواهد داشت. در همه جای دنیا رئیس جمهور منتخب با رأی مردم، مطابق انتظار مردمی است که و را می داده اند، همفکران و جناح خود را در مناصب قدرت قرار می دهد. آقای رئیسی همین کار را انجام داد و حامیان هم انتصابات دولتی را تأیید کردند. در دولت آقای رئیسی هیچ چهره اصلاح طلب حضور نداشت و شاید بتوان گفت کسی انتظار هم نداشت که اصلاح طلبان وارد کابینه شوند. این وضعیت درباره کابینه احمدی نژاد نیز وجود داشت و وی نیز از هیچ اصلاح طلبی در دولت استفاده نکرد و بلکه تعداد بسیاری خانه نشین شدند. این یک قاعده سیاسی شناخته شده و مقبول است که در دیگر کشورهای جهان هم دیده می شود، اما آقای پزشکیان با این نگاه که می خواهند به نزاع های سیاسی پایان دهند، برای راضی کردن جناح رقیب، برخی کرسی های دولت را به آنها واگذار کرد. آقای پزشکیان اسم این کار را وفاق گذاشتند. البته وفاق ملی باید در بین سران قوا صورت می گرفت. اگر روش آقای پزشکیان می توانست موثر واقع شود، شاید می شد آن را پذیرفت اما در همین مدتی که از شروع کار دولت می گذرد، قابل مشاهده است که واگذاری کرسی های دولت به جناح رقیب، آنها را از منازعه دور نکرده و بخش هایی از آنها همچنان در کار دولت خلل ایجاد می کند.

اصلاح طلبان به همان میزان که از پزشکیان حمایت کردند انتظار دارند دولت برای آنها در راستای بازنگری و به روز کردن گفتنمان اصلاحات فرصت ایجاد کند. پزشکیان در این زمینه به چه میزان موفق بوده است؟

من فکر می کنم پزشکیان در این زمینه تلاش زیادی می کند. به همین دلیل نیز پزشکیان تلاش می کند فاصله ای را که در دوره های اخیر بین اصلاح طلبان و حاکمیت به وجود آمده بود، ترمیم کند. شخصیت آقای پزشکیان نیز به شکلی است که دنبال تقویت گفتنمان اصلاحات است. به هر حال باید این واقعیت ها را نیز در نظر گرفت. به نظر می رسد گفتنمان آقای پزشکیان به خودی خود این فرصت را برای اصلاح طلبان ایجاد می کرد و نیاز نبود کرسی های قدرت را آن هم به تعداد زیاد در اختیار گفتنمان رقیب قرار بدهد. با این وجود باید منتظر ماند تا در ماه های آینده حاکمیت در مقابل وفاقی که پزشکیان مطرح کرده و با دادن کرسی های دولت به رقیب آن را نشان داده، شرایطی را فراهم کند تا دولت به تخاصم های داخلی و بین المللی پایان بدهد. اگر این اتفاق رخ بدهد می توان اقدامات آقای پزشکیان در این زمینه را توجیه پذیر دانست.

رحمان قهرمان پور:

ولایتی و خرازی هم از توافق گفتند، اما نشد

از مدتی مشاهده کردیم اتفاق مورد انتظار آنجنانی نیفتاد. قهرمان پور عنوان کرد: آقای لاریجانی در موضوع توافق با چین مأموریتی داشت. آن زمان برخی ها معتقدند بودند اگر او این مأموریت را به عهده بگیرند مسئله ما با چین حل می شود اما دیدیم هم در داخل ایران و هم در چین اجرای توافق آنقدر ساده نبود. امروز نیز چنین وضعیتی وجود دارد چون شرایط ما با غرب به ویژه با آمریکا دچار دست انداز و پیچیدگی هایی است. اینکه آقای لاریجانی بتوانند در بین نهادهای حاکمیت با دیدگاه های متفاوت همسویی عملی ایجاد کند و مخالفان او را به عنوان مرجع بپذیرند، یک علامت سوال بزرگی است. تجارب گذشته نشان می دهد یک نفر نمی تواند چنین کار سخت و دشواری را انجام دهد. وی درباره ارتباط بین مأموریت لاریجانی



تلنگر

عربستان به اسرائیل پشت پا زد

ریاض با تهران هم صدا شد

در دهه گذشته و به ویژه از زمان امضای توافقنامه ابراهیم در سال ۲۰۲۰، اسرائیل تصور کرد که باتکیه بر توان نظامی، اطلاعاتی و فناوری می تواند متحدانش را در میان کشورهای عربی خلیج فارس بخرد. در ماه های اخیر، مقامات اسرائیلی همچنین به این باور (ادعایی) رسیده اند که تشدید تنش، تعادل منطقه ای را به نفع آنها تغییر می دهد. فآرن افروز مدعی شد، به عبارتی دیگری رویارویی ادعایی گسترده تر بین اسرائیل و ایران و محور مقاومت می تواند کشورهای عربی، به ویژه عربستان سعودی را ناچار کند که در نهایت و به طور کامل به اسرائیلی هایببوندند.

محاسبات اسرائیل
رهبران اسرائیل فکر می کردند که اگر جنگ خاورمیانه را فرا بگیرد، پاسخ های ایران و مقاومت به تحریکات اسرائیل صلح شکننده بین کشورهای خلیج فارس و ایران را برهم زده و عربستان سعودی را به تضمین های امنیتی اسرائیل متحد اصلی ایالات متحده وابسته می کند. مقامات اسرائیلی مدعی اند که مخالفت رهبران عرب با عملیات اسرائیل در غزه و تلاش های دیپلماتیک این گروه از بازیگران در حمایت از فلسطینی ها، نگرانی اصلی شان نیست بلکه حول محور منافع شخصی شان قابل تبیین است. بنابراین تشدید تنش توسط اسرائیل می تواند این ادعا را عیان کند که ایران تهدید اصلی (ادعایی) برای همسایگان عرب خود است و کشورهای خلیج فارس چاره ای جز همسویی با اسرائیل ندارند. بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، آشکارا این موضع را در سخنرانی سپتامبر خود در سازمان ملل ایراد کرد و از کشورهای خلیج فارس به عنوان «شریک های عربی صلح» اسرائیل یاد کرد و همزمان از عربستان سعودی خواست تا برای مقابله با «طراحی های ایران» با این بازیگر متحد شود. فآرن افروز در ادامه مدعی شد، با این حال، فرضیات اسرائیل نادرست بوده است. در واقع، جنگ اسرائیل در غزه و فراتر از آن، عربستان سعودی و ایران را به هم نزدیک تر می کند. عملیات اسرائیل برخی از دشمنان عربستان سعودی را خنثی می کند و این و یمن و حزب الله... بنابراین هدف قرار داده است. اما چشم انداز یک رویارویی همه جانبه در خاورمیانه - و تسلط اسرائیل در منطقه - عربستان سعودی را در حالت تهاجمی قرار داده است. ریاض به طور فعالانه به آران تشکیل کشور فلسطین متعهد شده و به دنبال با نگه داشتن گزینه های استراتژیک خود و تعامل با ایالات متحده از یک سو و ایران و چین از سوی دیگر است. تشدید تنش ها توسط اسرائیل علیه ایران و دستیارانش بدون شک موجب شد تا تهران مذاکرات امنیتی خود را با ریاض افزایش داده و به طور بالقوه تضمین های امنیتی را در اختیار کشورهای حاشیه خلیج فارس قرار دهد. برای عربستان سعودی، چنین تضمین هایی مهم تر از هرگونه اطلاعاتی است که اسرائیل می تواند در برابر حملات ایران ارائه دهد.

فرصت ریاض

از منظر واشنگتن، نزدیک شدن عربستان به ایران ممکن است خبر بدی باشد. به هر حال، مقامات آمریکایی سال ها برای عادی سازی روابط اسرائیل و عربستان سعودی تلاش کرده اند. اما ایالات متحده باید در برابر حملات ایران ارائه دهد. اگر عربستان سعودی بتواند با ایران و اسرائیل روابط کاری تعریف کند، قادر است در تعدیل تنش های خاورمیانه نقش جدیدی و در عین حال مفیدی را ایفا کند. با این حال، مقامات اسرائیلی می توانند به عنوان اطلاعاتی بین طرف های رقیب عمل کرده و شاید به رویارویی فعلی ایران و اسرائیل پایان دهد. وقایع سال گذشته خطوط قرمز دیرینه، پارامترهای باززنده و قوانین سنتی درگیری میان دشمنان را تغییر داده است و ریاض در موقعیتی منحصر به فرد برای ایجاد نظم منطقه ای بهتر قرار دارد. به ادعای این رسانه، حمله نظامی اخیر اسرائیل سه هدف اصلی داشت: ناتوان کردن (ادعایی) ایران و محور مقاومت، نشان دادن ارزش اسرائیل به عنوان متحد برای سایر کشورهای همسایه و مجبور کردن عربستان سعودی به عادی سازی روابط دیپلماتیک با اسرائیل یا تأکید بر وابستگی امنیتی ریاض به واشنگتن. مقامات اسرائیلی امیدوار بودند که افزایش نامتی منطقه ای، عربستان سعودی را تحت فشار قرار دهد تا بیشتر به تضمین های امنیتی ایالات متحده تکیه کند - تضمین هایی که مشروط به تمایل ریاض برای عادی سازی روابط دیپلماتیک با اسرائیل است. - به نظر می رسد رویداد های بهار گذشته از این محاسبات حمایت می کنند: زمانی که ایران موشک ها و پهپادها را به سمت اسرائیل پرتاب کرد، اردن و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس با ایالات متحده برای رهگیری موشک های ایرانی همکاری کردند و این تصور را ایجاد کردند که همکاری نظامی هماهنگ بین اسرائیل و کشورهای خلیج فارس در راه است. در آن زمان، به نظر می رسید که تشدید تنش علیه ایران نتایجی را برای اسرائیل به همراه داشته است. اسرائیل با گسترش جنگ فراتر از غزه، ایران را به واکنش مستقیم برانگیخته بود و این کشورها خلیج فارس را وادار کرد تا به دنبال حفاظت بیشتر زیر چتر امنیتی ایالات متحده باشند.